

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطاهرين

تعینات هنری : غنا و موسیقی

رسیدیم به نکات جانبی از گزارشی از کتاب مکاسب مورد جیم ؛ اختصاص دارد به مواردی که مشهور فقها استثنا کردند اگر دقت کرده باشید ایشان (شیخ انصاری) در بحث قبلی مواردی را که عده ای حکما و موضوعا استثنا کرده بودند را نپذیرفتند... و آن ها را اندیشه مشهور هم نمیدانست اما دو مورد هست که استثنا کردند... ظاهر استثنا هم این است که استثنا از حکم غنا است... یعنی مورد غنا است لکن حلال است و استثنا شده است... مورد اول حدی است ؛ حدی همان صوتی است که برخی میخوانند و شتر بهتر راه می رود و احساس خستگی نمی کند... صوت یرجع فیه لسیر الابل ؛ یک بحث این است که این صوت اصولا غنا هست یا نه؟ این را هم میدانید برای شیخ اعظم خود غنا موضوعیت ندارد اما اگر از اصوات لهویه باشد، موضوعیت دارد... مثلا مطرب باشد؛ غیر از ترجیع اگر صوت مطرب باشد، ایشان آن را حرام میدانند... ایشان زیر بار این استثنا نمی رود... می فرماید: لم اجد ما يصلح لاستثنائه مع تواتر الاخبار بالتحريم... (ندیدم چیزی که بتواند آن را خارج کند) البته یک روایت نبوی هست که مناقشه دلالی دارد ؛ در هر حال ایشان در برابر اطلاقات وعمومات حرمت تسلیم نمی شود.

مورد دوم؛ غنای مغنیه در اعراس اذا لم یکتف بها محرم آخر... اگر دقت کنید سه تا قید پشت سر هم می آید ...

اولا صدای زن آواز خوان

دوم در عروسی و اعراس باشد

با لعب به آلات ملامی و یا تکلم به اباطیل و یا دخول رجال علی النساء همراه نشود...

دو تا خبر ایشان از جناب ابوبصیر نقل می کند برخی از اخبارش هم دلالت می کند بر اباحه مزد... اگر کار حلال نباشد مزد هم حلال نیست... این توجیه نظر مشهور بود و المشهور استثنائه للخبیرین ابی بصیر ونحوهما ثالث عنہ ایضا... ایشان در ابتدا هم کار را محکم می کند مثلا یک کسی که میگوید شاید حلال بودن پول برای زف و بردن عروس به حجله و مراسم ترتیب دادن به خاطر غنا است و ایشان می گوید این امر خلاف ظاهر است. ظاهر قضیه این است که پول برای غنا و اجر مغنیه است که به او داده می شود... ولی به هر حال این استثنا مخالف هم دارد. کل من لم یذکر استثناء بعد تعمیم... معلوم نیست که قائل به منع بوده است.

این جا است که بحث های روش شناسی خودش را نشان میدهد. شیخ روایات استثنا را به دلیل اشتغال بر ابوبصیر صحیح نمیداند و جابری هم برای ضعف روایت در صحنه سراغ ندارد.. اما در نهایت می فرماید گرچه روایات به ابوبصیر می رسد و او هم غیر صحیح است ولی چه کنیم که اکثر مشهور استثنا کرده اند... لذا ایشان می گوید: لا یخلو من وثوق (وثوق سندی... نه... و وثوق فتوایی) و لذا فتوا هم می دهد. و یک فتوای ضعیف و غیر قرص می دهد.

این جور جاها ، فقیهی که مدرسه ای هست این طور رفتار نمی کند و فقهای مدرسه ای این رفتار را نمی پسندند.. بحث ما با شیخ این است که اگر شما عمومات منع را دارید و روایتتان ضعیف است چرا زیر بار می روید؟ ولی از یک طرف سه تا روایت و از طرفی هم موافقت مشهور و این چیزها است که شیخ را متوقف می کند... و چیزی که باعث تعجب است رفتار جناب شیخ با ابوبصیر است.. مستحضرید که ابوبصیر را این طوری به راحتی رد نمی کنند.. حتی برخی از بزرگان فن مثل مرحوم آقای خویی، روایت ابوبصیر را به صحیح تعبیر می کنند.

این گزارش نباید در حد صرف گزارش تلقی شود و توجه داشته باشید که ما داریم از یک فقیه سترگ نقل می کنیم.. که مفصل تر از دیگران ورود کرده است. و ناظرًا به حرف دیگران سخن گفته است... به هر حال حاصل کار شیخ باید گزارش شود بعد نقاطی

را که باید کار کنیم در ادامه بحث امروز وانشالله یکی دو هفته آینده معلوم می شود.

اولا شیخ در این بحث از غنا به معنای آواز خوانی بحث کرد و تعرضی نسبت به نواختن آلات نداشت ... چه بسیاری از افراد که این دو بحث را از هم جدا نمی کنند..

مثلا بحث غنای شیخ را می گیرند و می برند در نواختن آلات، اگر از ایشان سوال شود که فلان موسیقی که مملو از آلات لهو است چه حکمی دارد؟ می گویند: فقها جواب داده اند. ما سوال می کنیم کجا؟ بلافاصله عبارت شیخ را در غنا می آورند در حالی که شیخ اعظم این جا غنا را بحث می کند اصلا بحث در مورد آواز است.... دیدید ایشان در این چند صفحه از نواختن آلات بحث کند؟! میدانید کجا از آلات آن هم به اشاره صحبت می کند؟ در حرف لام... چون غناء مربوط به حرف غین است و اما وقتی به حرف لام میرسد... آن جا هست که بحث نواختن آلات مطرح می شود. این نکته ای است که جدا از گزارشی که داریم به شما میدهم، بر آن دقت کنید.

کار دومی که شیخ کرد و دیدید که ما چقدر روی آن مانور دادیم این بود که ایشان غنا را از موضوعیت انداخت و حرام را غنا نگرفت و فرمود عنوان مرجع غنا نیست؛ و گفت که: صوت مرجع علی سبیل اللہو ...

کل صوت يرجع فیه... و صوت علی سبیل اللہو باشد حرام است... وان لم یکن غناءً و کل غناءً که صوت مرجع فیہی که علی سبیل لهو نباشد، حرام نیست. هر چند که غنا باشد؛ و ان کان غناءً... شیخ این مطلب را هم در ادامه دارد که: عدم الدلیل علی حرمة الغناء الا من حیث کونه و باطلا و لهوا و لغوا و زورا.... این چهارتایی را که کنار هم می آورد به این معنا نیست که این چهار ویژگی باید همه با هم باشد؛ بلکه هر کدام به تنهایی هم که باشد، کافی است.

در مجموع نظر شیخ این است که این ها باید باشد تا حرام باشد....

ما در اصول بحثی داریم با عنوان حکم ثابت و متغیر و من آن جا، به دوستان میگفتم شما توجه کنید که در حکم متغیر، که گاهی وقتها، عنوان نص، عنوان حکم نیست، بلکه موضوع یک چیز دیگری است که از دیگر قرائن حافه روشن استفاده می شود نمونه آن همین بحث غنا است که ما داریم بحث می کنیم....

من نمی خواهم صرف گزارش داده باشم، دیدید که کار شیخ ابهام جدی داشت؛

لذا با این که این جا، معیار را لهو می گیرد، ولی در بحث لهو می گوید: لکن الاشکال فی معنی اللہو ...

سوال می کنیم: بزرگوار! مساله را می بندید به یک عنوان، و در آن عنوان میگویند الاشکال فی معنی اللہو هر چند علیرغم انتظاری که از شیخ نمی رود میگوید آن که از شدت فرح باشد، حتما لهو است... مثل این که مردم هیچوقت نباید زیاد شاد باشند! زیاد شاد شدن لهو است و لهو هم حرام است... که البته این نوع رفتارها قابل دفاع نیست؛

در موسیقی هم بدون اظهار نظر نیست؛ در موسیقی در بحث لهو، آن جا هست که اظهار نظر می کند... اظهار نظری که به قول امروزها بسیار این تر (بحث باز و بدون برخی ملاحظات) از امروزها است.

برخی از بزرگان معاصر آلات موسیقی را و لهو را به هر قصدی که استفاده شود، حرام میدانند!

ولو طبلی باشد روز عاشورا که آن را هم حرام می دانند...

ولو مارش نظامی باشد که در پادگان ها می نوازند....

اما شیخ این نظر را ندارد و میگوید: اگر علی سبیل لهو باشد حرام است و الا صرف استفاده از این آلات اشکال ندارد (مثلا برای عزاداری و یا اعلان جنگ)

ان حرمة اللعب بالآلات اللہو الظاهر انه من حیث اللہو لا من حیث خصوص الآلة....

نکته دیگر این بود که ایشان غنا را از جنس کیفیت دانست؛ یعنی ایشان آن استثنائات و تفصیلات را که نپذیرفت و در موضوع غنا هم غنا را از جنس کیفیت دانست.

فرمود: ربطی به محتوا ندارد؛ من هم اضافه می کنم و آن این که غرض مهم نیست؛ فائده مهم نیست؛ هر فائده ای که می خواهد داشته باشد... اگر یادتان باشد این جا بود که بحث رابطه یک سوپه و دو سوپه مطرح شد ...

این ها گزارش از کار شیخ اعظم بود و طبیعی است که باید چند کار بکنیم:

1. اولاً این موارد را تا جایی که لازم است نقدش کنیم؛

2. دوم این که باید ببینیم مقتضای تحقیق چیست...

بحث غنا و موسیقی بحث غیرمبتلا بهی نیست؛

بالاخره جامعه و رسانه سوال دارد ؛ ببینیم که راهی هست برای پاسخ به این سوالات یا نه ...

ما کاری به ملاحظات جزئی نداریم...

من اگر بخواهم ملاحظات موردی را لیست کنم متعدد خواهد بود اما یک سری ملاحظات شکلی و یک سری محتوایی خواهد بود...

طبعاً سوال ما این جا مطرح میشود و آن این که : اگر بنا هست موسیقی کلا از موضوعیت بیفتد؛ چرا شما بحث می کنید؟

یکی از مکاسب محرمه غنا است و بعد هم برویم در به در دنبال معنای غنا در لغت...

برخی از بزرگان تا دوازده معنا برای غنا ذکر میکنند...

اگر غنا موضوعیت ندارد من نمیگویم اشاره نکنید؛ اشاره کنید اما محور اصلی بحث و کار شما نباشد... این از آن نقدهای ساختاری و شکلی بر کار ایشان است... البته نه فقط نقد بر شیخ ؛ لیست کنید عناوین کسانی را که غنا را از موضوعیت انداخته اند که کم هم نیستند...

این نکته ای است که باید دنبال شود...

نکته دوم این است که این رابطه دو سویه ای را که ما گفتیم، در فتوای فقیه بسیار دخالت دارد؛ به این معنا که اگر ما گفتیم

روایات دال بر حرمت غنا، همان روایاتی است که ذیل آیات گذشته وارد شده است، دیدید که شیخ اعظم چهار آیه از قرآن را

آورد، و مدام لیست می کرد ادله حرمت غنا را از همان ادله ای که ذیل آیات آمده است...

اگر این روایات ذیل این آیات است، سوال این است که آیا باید ارتباطی بین این دو باشد یا نه؟ اگر بنا شد غنا، صوت باشد،

ونسبت غنا با محتوا، نسبت الحجر الی جنب الانسان باشد... عالی ترین محتوا اگر با صوت کذا باشد، غنا هست و حرام... آیا

ما میتوانیم این را به روایاتی که ذیل آیه : و من الناس من یشتري لهُو الحدیث... بیاوریم و استفاده کنیم؟ آیه دارد از لهُو الحدیث

صحبت می کند؛ آن هم نه لهُو الحدیث بی مقصد... لیضل عن سبیل الله... و یتخذها هزوا... شان نزول آیه هم همین را می گوید

و بعد ما بیایم این را به دلیل روایتی که ذیل آن آمده است که غنا از مصادیق این آیه است سریع بیاییم و نتیجه گیری کنیم و

کار به محتوا و غرض نداشته باشیم... این شیوه، صحیح نیست...

یک تناسبی باید باشد و لذا من به شما عرض کنم قدر مسلم از حرمت غنا، غنایی است که از مصادیق این آیات باشد...

یعنی محتوا داشته باشد؛ محتوا هم محتوای مزخرف! به قصد گمراه کردن البته همراه با صوت هم باید باشد... اما ما نمی توانیم

هر صدایی را به هر انگیزه ای بگوییم غنا است... این جا است که این روایات تفسیر می شود، و نظر افرادی مثل مرحوم ایروانی

که محتوا را هم می خواهند بیاورند و دخالت دهند، یا نظر فیض کاشانی و یا محقق سبزواری بیاورند که این ها غناهایی بوده که

دخول الرجال علی النساء را هم شامل میشده،... در این جا ما نوشتیم که به قصه رابطه دوسویه توجه نشده است... در حالی که

توجه مزبور کارگشا و ضروری بوده است ...

اگر ما در بررسی ادله در هفته آتی ، رسیدیم به حدیثی محکم که ذیل این آیات نباشد، و به انگیزه تفسیر این آیات نیامده باشد، ما

روی چشم می گذاریم و میگوییم غنا، مطلقاً حرام است....

وگرنه تحقیق را باید به گونه دیگر شکل داد...

از دیگر موضوعات؛ حواله به مبهم بود... واقعا در چنین مساله مهمی نباید به این شکل رفتار شود...

گلایه ای که متوجه بزرگان است این که بحث را از حالت ابهام باید در آورد... و همه را به بندلهو ببندیم و بعد بیست صفحه بعد

بیاییم بگوییم لکن الاشکال فی معنی اللهو!! ممکن است شما بگویید بیشتر و دلیل بیشتر نمی توانیم بگوییم در حالی که اگر ما

رابطه دو سویه را قبول کنیم بیشتر میتوانیم بگوییم

این جا است که یک سری نقد های کلی بر حرف شیخ و دیگران وارد می شود... ایشان بحث ها را مبهم برگزار کرده اند

ما در جلسه آینده بررسی می کنیم تا ببینیم آیا دلیلی داریم بر حرمت مطلق غنا... یا اصلاً همان کاری را که شیخ کرد انجام دهیم

که غنا را از ویژگی انداخت... البته با رفع ابهام.

الحمد لله رب العالمین